

بررسی جایگاه فرهنگی، اقتصادی و مذهبی بندر لیان (بوشهر) در عصر عیلامی ها

بدرالسادات علیزاده مقدم* / احترام شکریان**

دریافت مقاله: ۹۲/۴/۱

پذیرش مقاله: ۹۲/۶/۲۰

چکیده

پیشینه تاریخی تمدن بوشهر به چندین هزار سال قبل از میلاد می‌رسد. هنوز دقیقاً نمی‌توان گفت که در چه زمانی بوشهر در عرصه تاریخ ظاهر شده و چه قوم و یا تمدنی سنگ بنای نخستین آن را گذارده‌اند؛ اما در زمان عیلامی‌ها، در حدودی که امروز به بوشهر معروف است، شهری بزرگ و با عظمت بنا شده که «لیان» نام گرفت؛ لیان در زمان عیلامی‌ها جزء استان «شیریهوم» بوده که به عنوان بندری اقتصادی مورد توجه عیلامی‌ها قرار می‌گیرد. یافته‌های باستان‌شناسی مبین آن است که این بندر علاوه بر اهمیت اقتصادی به لحاظ سیاسی، مذهبی و فرهنگی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. کشف کتیبه‌های الهه مقدس «کی.ری.ری.شا» و همچنین، ساخت و تعمیر معابدی در لیان توسط برخی از پادشاهان عیلام در دوره میانه (۱۴۵۰-۱۱۲۰ ق.م) شواهدی بر این موضوع می‌باشد. شکوفایی این بندر سرانجام، با حمله آشوری‌ها و سقوط عیلام نو، به پایان رسید. در این مقاله ضمن بررسی اوضاع اقتصادی و فرهنگی و مذهبی بندر لیان در عصر عیلامی‌ها، به شکوفایی فرهنگ و تمدن لیان در این دوره پرداخته خواهد شد.

کلیدواژه: لیان، عیلام، فرهنگ، اقتصاد، مذهب.

* استادیار دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) پست الکترونیک: baliz_moghadam@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور. پست الکترونیک: freshshaker@yahoo.com

مقدمه

شبه جزیره بوشهر، که امروزه جزء استان بوشهر می‌باشد، یکی از مناطق باستانی تاریخ ایران به شمار می‌رود که در یک تبارشناسی تاریخی باید آن را با نام بندر تاریخی و باستانی لیان در دوره عیلامی‌ها شناخت. قدمت و پیشینه تاریخی آن براساس حفاری‌های تحقیقات باستان‌شناسان، به دوران پیش از تاریخ و مشخصاً دوره نوسنگی جدید و قدیم می‌رسد. با در نظر گرفتن این سابقه درخشان و غنی تاریخی و باستان‌شناسی، طبیعی است که بوشهر یکی از مناطقی بوده که از دیرباز ذهن باستان‌شناسان و کاوشگران مسائل باستان‌شناسی را به خود مشغول داشته است. علاوه بر این، با کشفیاتی که در بوشهر صورت گرفت، مشخص گردید که بوشهر در دوره عیلام باستان با نام «لیان» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. یکی از بخش‌های مهم حکومت عیلام، استان شیریهوم^۱ بوده که شهر لیان (بوشهر کنونی) در جنوب شرقی آن و در امتداد ساحل خلیج فارس به لحاظ مذهبی و تجارتي اهمیتی خاص داشته و برخی معتقدند تا میناب ادامه داشته است. به طوری که پادشاهان عیلام، به ویژه دوره میانی، به آن توجه زیاد داشته‌اند. بنابراین شاید بتوان بیان کرد لیان تنها و معتبرترین بندر امپراتوری عیلام در ناحیه جنوب غربی ایران و سواحل شمالی خلیج فارس کنونی به شمار می‌رفته است. پادشاهان و سلسله‌های حکومتی مختلف عیلامی به بندر لیان توجه خاص داشته‌اند و، به تعبیری، با هم برای تأسیس یا تعمیر و تجدید عمارت معبد ایزدبانوی این شهر، که «کی.ری.ری.شا» نام داشت، از هم سبقت

می‌گرفتند. عیلامی‌ها از بندر لیان با حوزه‌های تمدنی بین‌النهرین، سند و هندوستان رابطه تجاری برقرار کرده بودند و با کرانه‌های جنوبی خلیج فارس از جمله عمان و بحرین تماس می‌گرفتند. از این رو، بندر لیان در تاریخ و تمدن عیلام جایگاه ویژه و مهمی داشته است. البته دستیابی به اطلاعات بیشتر، نیاز به حفاری و کاوش‌های باستان‌شناسانه دارد، که به جز دو مورد، متأسفانه هنوز به صورت پیگیرانه انجام نشده است. یکی در سال‌های ۱۸۷۷-۱۸۷۲ به همت دکتر فردریس کارل آندریاس آلمانی^۲ و دیگری به کوشش موریس پزار فرانسوی^۳، که این دو کاوش قدیمی‌ترین اسناد موجود بر وجود تمدن و شهر بزرگی در زمان بابل و عیلام را در این نواحی گزارش می‌دهند (ویلسون^۴، ۱۳۶۶: ۸۵).

موقعیت جغرافیایی بوشهر

بوشهر، در انتها ایه شمالی خلیج فارس قرار دارد. این بندر از ماسه سنگ‌های دوران چهارم زمین‌شناسی ساخته شده است. طول این شبه جزیره ۱۲ مایل و عرض آن، در پهن‌ترین قسمت، ۴ مایل است که به موازات سرزمین اصلی واقع شده و میانه آن توسط دشتی ماسه‌ای به پهنای حدوداً ۲۰ مایل، موسوم به مشیله، به سرزمین اصلی ایران (در جنوب غربی کشور) متصل می‌گردد (فلور^۵، ۱۳۸۷: ۱۱؛ تصویر ۱، ص ۱۸). بوشهر همان‌گونه که فلور می‌گوید شهر بندری نوبنیادی است (فلور، ۱۳۸۷: ۱۲). قدیمی‌ترین شهر در درون شبه جزیره بوشهر، مربوط به دوره عیلامی است که «لیان» نام دارد (یا حسین، ۱۳۸۷: ۱۰). لیان که از لحاظ جغرافیایی در مناطق مرکزی و متمایل به

2. D. Fridris Karl Andreus

3. Moris Pezar

4. Vilsoun

5. Floor

۱. (shirihum) یا سرزمین‌های ساحل خلیج فارس در جنوب عیلام بخش بزرگی از استان بوشهر از بندر فعلی دیلم تا متهی ایه لیان باستان بوده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۳۷).

جنوب شبه جزیره یعنی سبزآباد، دستک، رایانی و بخشی از ریشهر قرار می‌گرفته، از مراکز مهم تمدنی دوره ایلامی بوده است.

البته موقعیت لیان و وسعت اولیه و مناطق تحت سیطره آن، هنوز کاملاً بر ماروشن نشده است و نمی‌دانیم که این شهر تا چه حدودی گسترش داشته است. اما به یقین می‌توان گفت که در ناحیه جنوب شرقی و در کناره‌های ساحلی خلیج فارس امتداد داشت و مرکز اصلی آن شبه جزیره کنونی بوشهر بوده است (گريشمن^۱، ۱۳۶۶: ۳۹؛ تصویر ۲، ص ۱۸).

لیان در نگاه لغت‌شناسان

تاریخ عیلام از دوره‌های درخشان و با اهمیت تاریخ ایران باستان محسوب می‌شود. در اکثر کتاب‌های تاریخی و با توجه به کشف کتیبه‌های عیلامی در شبه جزیره بوشهر، لیان نیز یکی از شهرهای مهم عیلام و در طول تاریخ این حکومت دارای اهمیت به سزایی بوده است. شاید بتوان گفت که قدیمی‌ترین نام شبه جزیره در طول تاریخ ایران که امروزه ما از آن اطلاع داریم احتمالاً «لیان» بوده است. قبل از کاوش‌های باستان‌شناسی در اوایل قرن بیستم نقش شهری به نام لیان در تاریخ ایلام ناشناخته بود. اما براساس حفاری‌های باستان‌شناختی موريس پزار فرانسوی در سال ۱۹۱۳م در نواحی تل پی تل، امامزاده و سبزآباد حدس زده شد، که در عصر عیلامی‌ها، شبه جزیره را «لیان» می‌نامیده‌اند (یاحسینی، ۱۳۸۷: ۱۹).

نخستین باستان‌شناسی که کوشید شهر تاریخی لیان عصر عیلامی را بر بخشی از شبه جزیره منطبق کند، پزار بود. او در نواحی‌ای که حفاری کرد موفق به کشف آجر نوشته‌هایی شد

که نام «لیان» بر آنها حک شده بود. این آجر نوشته‌ها متعلق به پادشاهان معروف عیلامی نظیر «هومبان - نومنا» «شوتروک ناهونته» و «شیلهاک - این شوشیناک» بود. پزار حدس زد که احتمالاً شهر باستانی و تاریخی لیان در شبه جزیره بوشهر امروزی بوده است. این قول پزار، مورد قبول اکثر عیلام‌شناسان بزرگ جهان، از جمله جورج کامرون، رومن گريشمن، دیاکونوف، والتر هیئتس و پیر آمیه، قرار گرفت و اغلب آنان این شبه جزیره را، در عصر عیلام، «لیان» نامیدند. هرچند، جمع دیگری از مورخان و باستان‌شناسان در انطباق لیان با شبه جزیره، تردید کرده‌اند (یاحسینی، ۱۳۸۷: ۲۰).

پزار در باب کشف بندر لیان توسط خودش نوشته است: «قریه مستحکم لیان که مکان آن محلی غیر از خود تپه نیست در حال حاضر با کاوش‌های انجام شده ما، بدون تردید مشخص شده است. این محل در چهارصد کیلومتری شوش قرار داشته است که بدون شک یکی از مکان‌های پیشرفته امپراتوری بوده است. با دنبال کردن ساحل قدیمی دریا که در این دوره تا اهواز امتداد داشته است، ما بدون هیچ شکی با ایستگاه‌ها و شاید بنادر دیگری که آشوری‌ها غالباً در آنجاها تردد می‌کرده‌اند برخورد می‌کنیم. وسعت یک چنین پادشاهی این نظر را القا می‌کند که دولت عیلامی در هزاره دوم قبل از میلاد بسیار قدرتمند بوده است» (پزار، ۱۳۸۴: ۴۵). بدین ترتیب، لیان به عنوان جزئی از شبه جزیره بوشهر در تاریخ ایلام از اهمیت برخوردار بوده و اوج شهرت لیان مربوط به دوره عیلام میانه که به عصر طلایی مشهور است (۱۴۵۰-۱۱۲۰ ق.م) می‌باشد. البته موقعیت و وسعت اولیه و مناطق تحت سیطره لیان، هنوز کاملاً روشن نیست و

که از معیارهای پیشرفتگی در آن زمان محسوب می‌شد، راه ترقی را پیمود.^۲

ایمان‌پور در مقاله خود پیرامون محدوده جغرافیایی در کتیبه بیستون چنین بیان می‌کند: «در نسخه عیلامی بیستون، نام عیلام به صورت هل تمی^۳، به معنی سرزمین مقدس، آمده است. سرزمین عیلام از غرب به دجله، از شرق به بخشی از فارس، از شمال به کوه‌های بختیاری و از جنوب به خلیج فارس تا بوشهر محدود می‌شده است. از جمله شهرهای مهم عیلام، ماداکتو، هایدالو در خرم آباد کنونی، لیان (بوشهر امروزی) بوده است» (ایمان‌پور و شهبادی، ۱۳۸۹: ۴۱).

امپراتوری عیلام دارای ایالت‌ها و امیرنشین‌های متعددی و بعضاً خودمختاری بوده و شاید به شکل دولت - شهرهای مستقل اداره می‌شده‌اند. هرکدام از این ایالت‌ها، خود امیر یا پادشاهی داشته‌اند (یا حسین، ۱۳۹۱: ۲۳۱). در مورد ساختار سیاسی قدرت در عیلام و لیان والتر هینتس آن را نوعی «حکومت ایالتی» (فدرال) توصیف کرده و نوشته است: «از این روی حکومت عیلام از نظر ساختار در همه روزگاران حکومتی ایالتی [فدرال] بوده است. برای حفظ وحدت این قلمروهای مختلف سراسر عیلام، شاهان در مقام سرور بزرگ این سرزمین‌ها می‌کوشیدند تا امیران بخش‌های گوناگون را با خویشاوندی خونی وابسته خود کنند» (هینتس^۴، ۱۳۸۷: ۷۹). اما دنیل پاتس، باستان‌شناس و عیلام‌شناس برجسته، برپایه تئوری‌های جدید انسان‌شناسی سیاسی، بافت حکومت عیلام را «حکومت تکه تکه» دانسته و در همین باره نوشته است:

نمی‌دانیم که این شهر تا چه حدودی گسترش داشته است.

درباره معنی کلمه «لیان» حدس و گمان‌هایی زده شده است؛ نظیر اینکه: کلمه «لیان» در اصل واژه‌ای است بابلی، به معنای «آفتاب درخشان» که از بین‌النهرین وارد حوزه تمدنی عیلام و با همین معنا وارد زبان فارسی دری شده است. محمد حسن خلف تبریزی، دانشمند لغت‌شناس معروف، در کتاب *برهان قاطع*، درباره معنی این واژه می‌نویسد: «لیان، به فتح اول بر وزن کیان، به معنی درخشان و تابان باشد و به معنی فروغ آینه و تیغ هم هست، و روشنایی و فروغ رانیز گویند که از پی یکدیگر بدرخشند، و به کسر اول هم آمده است» (خلف تبریزی، بی تا: ۱۹۱۹؛ حمیدی، ۱۳۸۰: ۵۷۹؛ حمیدی، ۱۳۸۹: ۲۹).

قابل تأمل اینکه رد پای واژه «لیان» را هنوز هم می‌توان در محاورات مردم بومی شهر بوشهر یافت. در گویش مردم بوشهر کلمه‌ای وجود دارد به نام «لیل»^۱ که به معنی خیره شدن چشم بر اثر نور می‌باشد (بلادی، ۱۳۹۰: ۲۶۹). بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که بین کلمه بابلی - عیلامی لیان و لیل، رابطه زبان‌شناسی معناداری وجود دارد.

لیان در حیات سیاسی عیلام

یکی از دوره‌های تاریخ پرفراز و نشیب ایران، حکومت عیلام، پیش از ورود اقوام آریایی، در سرزمین‌های غرب و جنوب غربی ایران است که به یقین پیشرفته‌ترین حکومت‌های پیش از آریایی در ایران محسوب می‌شود. در حدود پنج هزار سال پیش، در دشت شوش این مدنیت آغاز شد و به زودی با تأسیس و ایجاد سازمان‌های کشوری، ارتش، قلمرو وسیع، خط و کشاورزی

۲. برای تاریخ عیلام نک: والتر هینتس، *دنیای گمشده عیلام*، ترجمه فیروز فیروزنیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول. ۱۳۷۱.

3. Hal Hatamti

4. Hints

1. Leil

«ایلام از این لحاظ بسیار شبیه است به آنچه که انسان‌شناسی سیاسی «حکومت تکه تکه» تعریف می‌کنند، که ساختاری با «حوزه‌های گسترش یافته قدرت» دارد و مشخصه آن رقابت بین مرکز و نواحی پیرامون آن است، یعنی ساختار هرمی قدرت با اجزایی که قدرت‌های مشابهی دارند [...] همان‌طور که دیدیم مدارک موثقی برای ارائه این نظر در دست است که هم بر سطوحی از تأثیر عیلامی‌ها در سرتاسر قوس کشیده شده از کرمانشاه تا شرق فارس و هم به تنوع قومی و زبانی دلالت دارد» (پاتس، ۱۳۸۵: ۲۴۶). درباره ساختار قدرت در لیان و مناسباتش با پایتخت عیلام، یعنی شوش چیزی نمی‌دانیم. اما ظاهراً ایالت‌های عیلامی تا اندازه زیادی خودمختار بوده و به شکل فدرال یا دست کم «حکومت تکه تکه» اداره می‌شده‌اند (یا حسینی، ۱۳۹۱: ۲۳۱). یکی از مناطق تحت قلمرو عیلام منطقه‌ای به نام «شیریهوم» بوده که در کناره‌های شمالی خلیج-فارس قرار داشته و احتمالاً بخشی از آن با استان فعلی بوشهر منطبق بوده است (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۶۴). این ناحیه با مرکزیت شهر لیان (بوشهر کنونی) از جنبه‌های مختلف مذهبی، تجاری و نظامی حائز اهمیت بود (پزار، ۱۳۸۴: ۱۰). به عبارت دیگر کتیبه‌های عیلامی، نخستین اطلاعات را از سرزمین لیان یا بوشهر کنونی و حدود آن ارائه می‌دهند. این امر نشان می‌دهد که در حدود بوشهر، شهری بزرگ به نام لیان توسط عیلامیان بنا شده که حکومت آنها بخش مهمی از سواحل خلیج فارس را در برمی‌گرفت (اکبری، ۱۳۸۴: ۳۵). قبل از هر چیز ضروری است که به حدود مرزها و تقسیمات داخلی امپراتوری عیلام پرداخته شود. به طور کلی مملکت عیلام شامل خوزستان، لرستان، پشتکوه و بخشی از پارس یعنی انشان یا انزان بود که از شمال به حدود

کرمانشاه، در غرب به دجله و در جنوب در سواحل خلیج فارس به لیان یعنی بوشهر کنونی می‌رسید (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۱۳۰).

در یک تقسیم‌بندی تاریخی، امپراتوری عیلام به سه دوره تقسیم می‌شود:

الف) پادشاهی قدیم که سلسله‌های آن به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. پادشاهان اوان (۲۶۷۰-۲۲۰۰ ق.م)
۲. پادشاهان سیماش (۲۱۰۰-۱۸۵۰ ق.م)
۳. پادشاهان اپارتی یا سوکل مخ (۱۸۳۰-۱۵۰۵ ق.م)

ب) پادشاهی میانه یا عصر طلایی که سلسله‌های آن به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. پادشاهان ایگ هلگی (۱۳۵۰-۱۳۱۰ ق.م)
۲. پادشاهان شوتروکی^۲ (۱۲۰۵-۱۱۱۰ ق.م)
- ج) پادشاهی عیلام نو (۷۶۰-۶۴۰ ق.م) (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵)

در مورد اسامی ایالت‌ها و مناطق عیلام نظریات متنوع و مختلفی بیان شده است. با این حال اکثراً از چهار ناحیه نام برده‌اند: شوش، اوان، انشان و سیماش (یا سیماشکی) (آمیة، ۱۳۸۴: ۲). بدیهی است که پرداختن به تاریخ عیلام فرصت و مجال دیگری می‌طلبد و هدف این مقاله موقعیت، اهمیت و سهم لیان در مجموعه امپراتوری عیلام به لحاظ سیاسی، مذهبی و اقتصادی است. بنابراین، با بیان مختصر تاریخ سلسله‌ای امپراتوری عیلام، جایگاه و سهم لیان را بیان می‌کنیم.

اولین حاکمانی که بر عیلام حکومت می‌کردند سلسله پادشاهان اوان (۲۲۰۰-۲۶۷۰ ق.م)، همزمان با آغاز پیدایش لیان بوده‌اند. بنیانگذار این

1. Ige-Halki

2. Numena-Humban

3. Amiyeh

پیش از گذشتن از دریای سفلی (خلیج فارس) و ادامه راهش، برانشان و شیریهوم چیره شده بود. رسیدن به انشان، یا تل ملیان امروزی، بدون نام بردن از شوش حاکی از این است که شوشان و بخش‌های غربی فارس در برابر شاه در مسیرش به شرق مقاومتی نشان ندادند. اگر طبق نظر استینکلر، شیریهوم در امتداد ساحل فارس واقع شده باشد، باید مسیری برای پیشروی شبیه به مسیری که شیراز امروز را به بوشهر در خلیج-فارس می‌پیوندد، در نظر بگیریم» (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۶۹-۱۶۸). می‌توان حدس زد منیشتوسو در هجومش به ناحیه شیریهوم و بندر لیان، معبد کی.ری.ری.شا را، که انباشته از اشیاء نفیس و قیمتی بوده، غارت و ساختمان معبد را نیز ویران کرده است.

بعد از سلسله اوان سلسله سیماشکی (۲۱۰۰-۱۸۵۰ ق.م) در تاریخ ایلام بر سر کار آمده است که دوره خاموشی لیان نیز می‌باشد. زیرا در این دوره از شیریهوم و لیان نشانه بارزی نداریم. شاید دلیل آن، این باشد که هنوز مدرکی به دست نیامده است. به عبارت دیگر، پس از هجوم و غارت ویرانگر منیشتوسو به بندر لیان، به مدت چندین قرن، یعنی سرتاسر دوران سلطنت سلسله «سیماشکی» از اوضاع و احوال لیان هیچ اطلاعی نداریم و باستان‌شناسان نیز تا امروز، کمترین مدرکی در این باره به دست نیاورده‌اند. همین امر باعث شده تا یکی از محققان محلی بوشهر به درستی این دوران را «دوران خاموشی» بنامد (نظامی، ۱۳۸۱: ۶۱).

با انقراض سلسله سیماشکی، از سال ۱۸۳۰-۱۵۵۰ ق.م سلسله اپرتی^۲ یا سوکل مخ‌ها^۳ تأسیس شد که با بیرون راندن بابلی‌ها، بار دیگر استقلال

سلسله پلی نام داشت. جالب اینجاست که این دوره از عیلام روشنایی چندانی ندارد [و] تنها توسط یک سند در معبدی در لیان مشخص می‌شود (هینتس، ۱۳۷۱: ۸۱) که از محل معبد ایزد بانوی لیان یعنی «کی.ری.ری.شا» کشف شد. بدین ترتیب آغاز ورود لیان در تاریخ عیلام با قدیمی‌ترین دوره تاریخی آن یعنی اوان شروع می‌شود. در این دوره حکومت عیلام مورد هجوم سارگن پادشاه آکد قرار گرفت و در زمان فرزندش «منیشتوسو» این حملات ادامه یافت. قدر مسلم مناطق مورد حمله منیشتوسو از حدود بندر دیلم تا منتهی‌الیه شبه جزیره لیان باستانی بود، چرا که منطقه ماهشهر تا خرمشهر فاقد هرگونه آثار مربوط به زندگی عیلامی است و احتمالاً در آن زمان تا حد زیادی زیر پوشش پسامدهای خلیج فارس و نیزار و باتلاق بوده است (بزار، ۱۳۸۴: ۲۳). پس در پیشروی منیشتوسو در سرزمین عیلام هم در انشان و هم در شیریهوم «سراسر ناحیه تا کانه‌های گرانبها غارت و ویران گردید و راه برای حمل دیوریت و کانه‌های گرانبها از ساحل ایرانی خلیج فارس به بابل باز شد» (کامرون^۱، ۱۳۶۵: ۲۸) همچنین وی در یکی از کتیبه‌ها گزارش می‌دهد «من با هدایا و پیشکش‌ها، شاه انشان و شیریهوم را به سوی خدایم، خدای خورشید رهبری کردم» (هینتس، ۱۳۸۷: ۸۶).

دلیل پاتس درباره مسیر هجوم منیشتوسو به عیلام و شیریهوم نوشته است:

«پسر بزرگ سارگون نخستین فرمانروای آکد قدیم بود که به قلب استان فارس رخنه کرد، از تنها کتیبه مربوط به شرق [...]، که نسخه بابلی قدیم یکی از متون اصلی اوست، درمی‌یابیم که او

2. Epart

3. Sukkal-Mach.

1. Kameron

عیلام را تثبیت نمودند اما این سلسله نیز توسط حاکمان اموری یا بابل جدید منقرض شد. هم-جواری شیریهوم و لیان با مرکز و منشأ حکومت جدید(انشان) و کشیده شدن آن به سمت جنوب قطعاً بر خلاف دوره سیماش ها برای لیان امتیاز محسوب می‌گردید. چراکه در این صورت ایالت ساحلی شیریهوم واسطه آنها با دریا و لیان بندر مهم بازرگانی عیلام به حساب می‌آمد و جالب است بدانیم که تنها سند موجود در کل امپراتوری عیلام از شیموت و ارتاش یک مهر استوانه‌ای به جا مانده که آن هم در پرستشگاه الهه کی.ری.ری.شا در لیان یافت شده است (گریشمن، ۱۳۶۶: ۴۰).

اما اوج قدرت عیلام، مربوط به عیلام میانه، معروف به عصر طلایی است (۱۴۵۰-۱۱۲۰ ق.م) که دوره جلوه‌گری تمام عیار لیان و درخشان-ترین عصر تاریخ لیان می‌باشد؛ دو سلسله در این دوره از تاریخ عیلام به قدرت رسیده‌اند و اسناد و کتیبه‌هایی که از این دو سلسله بر جای مانده، نشان‌دهنده توجه خاص پادشاهان این دوره از تاریخ ایلام به لیان می‌باشد و کمتر پادشاهی بود که وقف یا تعمیراتی در پرستشگاه شهر لیان نکند و یا کتیبه‌ای در این زمینه در لیان به یادگار نگذارد. این دو سلسله عبارت‌اند از:

الف) سلسله ایگ هلگی (۱۳۵۰-۱۲۱۰ ق.م) که پادشاهان مشهور آن عبارت‌اند از:

۱. هومبان نومنای اول که مناطقی از جمله لیان را تحت سلطه خود در آورد و در زمان او توجه زیادی به شیریهوم و لیان شده است. جالب اینجاست که «تنها متن عیلامی مربوط به هومبان نومنا در شوش یافت نشده بلکه در لیان به دست آمده است» (کامرون، ۱۳۶۵: ۲۸). پاتس در این باره می‌نویسد: «... تفسیر علت ساخت معبدی برای

کی.ری.ری.شا لیان در نزدیکی بوشهر امروز در خلیج فارس روشن نیست [...]، اما یقیناً نشان دهنده ارتباط نزدیک با این مکان است. [...] اشاره می‌کند که هیچ یک از آجرهایی که به این کار اشاره دارند در شوش یافت نشده‌اند بلکه همگی از بوشهر به دست آمده‌اند» (پاتس، ۱۳۸۵: ۳۲۹).

۲. اونتاش گل یا اونتاش نیپریش که در زمان او عیلام به اوج قدرت رسید. از مهم‌ترین اقدامات وی ساخت شمار زیادی معبد، سنگ یادمان و پیکره می‌باشد (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۳۶-۱۳۷). سرانجام آشوری‌ها در سال ۱۲۱۰ ق.م، با لشکرکشی به عیلام سلسله ایگ هلگی را منقرض نمودند (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۲۱-۲۰).

ب) سلسله شوتروکی (۱۲۰۵-۱۱۱۰ ق.م) معروف‌ترین پادشاهان این سلسله عبارت‌اند از:

۱. شوتروک نهونته که کاسی‌ها را شکست داد؛ سپس قلعه شوش را بازسازی کرد و آجرهای کتیبه‌دار، آجرهای لعاب‌دار و منقوش و همچنین یادمان‌های معروف نارام سین و حمورابی را که نتیجه غارت آنان از معابد بین-النهرین بود در معابد این شوشینک به نمایش گذاشت (اکبری، ۱۳۸۱: ۲۳). به گزارش کتیبه‌های شوتروک-ناهونته، شهر «لیان»، در حوزه نفوذ و فرمانروایی عیلامی‌ها قرار داشته است (جلیلیان؛ علی‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۹). کتیبه شوتروک - ناهونته یکی از ویژگی‌های او را که علاقه زیاد به جمع‌آوری سنگ‌های یادبود است، روشن می‌سازد. در این زمان امپراتوری عیلام وسعت یافت و اهمیت لیان افزایش یافت؛ او پرستشگاه ایزدبانوی لیان را که قبلاً توسط هومبان نومنا بازسازی شده و به مرور زمان دچار تخریب گشته بود، تعمیر کرد (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۴۵).

۲. کوتیر ناهونته فرزند شوتروک ناهونته که او هم توجهات خاصی به لیان و موقعیت

دار او ذکری از لیان نمی‌شود (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۲۷). البته این مسئله به منزله تصرف لیان به وسیله یک دولت خارجی نیست، بلکه چون این پادشاه به طور دائم درگیر جنگ با پادشاهان زورمدار آشوری و بابلی بود، کمتر توانست به مناطق جنوبی قلمرو امپراتوری به ویژه شیریهوم و لیان، توجه نماید.

با پایان یافتن سلطنت شوتروکی‌ها، دوره عیلام نو (۷۴۰ - ۶۴۰ ق.م) که در حقیقت واپسین دم حیات سیاسی عیلام می‌باشد، شروع می‌شود. البته اطلاعات ما از پایان سلسله شوتروکی تا قرن هشتم ق.م یعنی آغاز عیلام نو ناچیز است و می‌بایست برای دست یافتن به اطلاعات جدید به کشفیات باستان‌شناسی و اسناد جدید دل بست. در دوره عیلام نو در مورد لیان و نقش آن در تاریخ عیلام اطلاع چندانی نداریم زیرا هیچ کتیبه و گل نوشته‌ای در این منطقه به دست نیامده است. جنگ نوکد نصر شاه بابل (۱۱۰۴ - ۱۱۳۵ ق.م) قدرت سیاسی عیلام را در دوره نو کاسته بود. پس از آن نیز با حمله شاهان آشور به شمال غرب عیلام که در این زمان بسیار ضعیف شده بودند، شاهان جلگه خوزستان جای خود را در فارس از دست داده و گروه‌های جدیدی به عیلام فشار آورده و آنها را به طرف غرب کوچانیدند (اکبری، ۱۳۸۱: ۲۳). سرانجام آشوری‌ها در سال ۶۴۶ ق.م شوش را تصرف نمودند. به این ترتیب سلسله عیلام نو توسط آشوربانی پال منقرض شد و حیات سیاسی عیلام برای همیشه خاتمه یافت.

پس از آن عیلام کم و بیش در دوره مادها و پارس‌ها به شکلی ضعیف و پاره‌ای از آن امپراتوری‌ها به حیات خود ادامه داد ولی هرگز به افتخارات کهن خویش باز نگشت و شیریهوم و لیان هم تمام خاطرات خود را در دل خویش

سیاسی، اقتصادی و مذهبی آن به تقلید از پدران خود داشته است (کامرون، ۱۳۶۵: ۸۲).

۳. شیلهک - این شوشینک که فتوحات وی در مقابل آشور و بابل معروف است. از وی حدود سی کتیبه بر جای مانده و به همین علت است که والتر هینتس وی را سلطان آرشیویست و تاریخ‌گذار نام‌گذاری می‌کند. وی همچنین کتیبه‌های شاهان قبل از خود را مجدداً نسخه برداری نموده است. خود در این باره می‌گوید: «من کتیبه‌های ایشان را نه کنار گذاشته‌ام و نه دخل و تصرفی در آن کرده‌ام، آنها را دوباره نوشته‌ام و در معبد این شوشیناک قرار دادم» (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۵۳ - ۱۵۱). شیلهک این شوشینک کتیبه‌ای در لیان به یادگار گذاشته که در جریان کاوش‌ها و حفاری‌های موریس پزار در بوشهر کشف گردید. وی در قسمتی از این کتیبه بیان کرده است: «کی.ری.ری.شا» (بانوی) لیان، سفال پخته شده (؟) ساخته شد و با ویران شدنش، من بار دیگر آن را بر پا داشتم» (تصویر ۳، ص ۱۹). به روایتی شیلهک این شوشینک دارای امپراتوری نیرومندی بود؛ وی بر لیان در خلیج فارس، فرمانروایی داشت، و نقوش عیلامی در آن ناحیه پیدا شده است (اکبری، ۱۳۸۴: ۳۳). در زمان شیلهک این شوشینک قدرت عیلام از شمال میان رودان تا کرانه‌های خلیج فارس چنان گسترش یافته بود که منابع مربوط به تاریخ عیلام بارها از شهری به نام لیان در ساحل خلیج فارس نام برده‌اند که ارتباطات تجاری دیرینه‌ای از راه خلیج فارس با پیرامون خود تا هند داشته است (پوریانزاد، ۱۳۸۴: ۷۴).

بعد از شیلهک این شوشینک، «هوت‌ه لوتوش این شوشینک» به قدرت رسید. در این زمان احتمالاً منطقه لیان، دیگر در اختیار این پادشاه عیلام نبوده، زیرا در هیچ یک از آجرهای کتیبه

خاموش نگه داشته و دیگر در تاریخ ایران به این نام ظاهر نشدند.

با توجه به اوضاع سیاسی عیلام چنین به نظر می‌رسد که لیان از جهات مختلف برای پادشاهان عیلامی مهم بوده و همواره سعی در نگاه‌داری و حکمرانی آن داشته‌اند، به همین دلیل است که کتیبه‌های متعددی از پادشاهان عیلام در این منطقه به دست آمده است. در واقع لیان به دو دلیل عمده برای دولت عیلام اهمیت داشته است: ۱. در زمینه اقتصادی و تجاری از لحاظ موقعیت سوق‌الجیشی و استراتژیکی آن، بندری بودن لیان و موقعیت مساعد برای ایجاد راه آبی جهت صادرات و تجارت با بین‌النهرین و هندوستان.

۲. در زمینه مذهبی، از لحاظ جایگاه الهه «کی.ری.ری.شا» در لیان و وجود معبدی که شاهان عیلام آن را وقف این الهه نموده‌اند. با توجه به اهمیت لیان از جهات مختلف برای دولت عیلام، نقش اهمیت اقتصادی، مذهبی و فرهنگی لیان در دوره عیلام را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

جایگاه اقتصادی لیان در دوره عیلام

نام بندری لیان در تمام متونی که در معبد «کی.ری.ری.شا»^۱ در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی در بوشهر به دست آمده به چشم می‌خورد. این مسئله نشان از آن دارد که این بندر جایگاه یکی از قدیمی‌ترین معابد تاریخی بشر در سواحل خلیج فارس به شمار می‌رفته است. قرار گرفتن یکی از مهم‌ترین معابد عیلامی در کرانه‌های خلیج فارس، می‌تواند نشان از رونق و رواج تجارت دریایی در هزاره سوم و دوم ق.م در این

منطقه باشد (وثوقی، ۱۳۷۴: ۲۷-۲۶). در حقیقت لیان یا بوشهر امروزی در ساحل شمالی خلیج فارس می‌توانست برای عیلامی‌ها پایگاه دریایی مناسبی باشد که عیلامی‌ها آن را اشغال نموده و به قلمرو خود پیوند داده‌اند (آمیبه، ۱۳۸۴: ۲۹). اگر چه نشانه‌ها و دلایل روشنی از حضور و ارتباط عیلامی‌ها با منطقه سرزمین دریا وجود ندارد اما می‌توان از فعالیت‌های اقتصادی عیلامی‌ها دوشادوش دیگر قدرت‌های خاور نزدیک در منطقه خلیج فارس سخن گفت (جلیلیان؛ علی‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۹). همچنین با توجه به مشاغل موجود در مناطق بندری می‌توانیم حدس بزنیم که شغل‌های متعدد در لیان بوده که موجب رونق تجارت در این ناحیه شده است از قبیل کشاورزی در بخش داخلی لیان که داخل شبه جزیره و اطراف آن وجود داشته، صیادی و ماهیگیری در حاشیه ساحلی و بخشی هم به تجارت با کرانه‌های جنوبی و هندوستان فعالیت داشتند؛ پیشه‌وری، سفال‌سازی و تجارت و بافندگی هم رونق داشته که بخشی از آنها به عهده زنان بوده است (اداره فرهنگ و هنر استان بوشهر، ۱۳۵۶: ۳).

در این میان از جمله بنا‌داری که مرکز ارتباط بین دو منطقه خلیج فارس و عیلام بود، بندر لیان بوده است. به عبارت دیگر هومبان نومنا پرستشگاهی در لیان ساخته بود که احتمالاً بندرگاه مهم آنها در خلیج فارس بوده است (جلیلیان؛ علی‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۹). در این بندرگاه کشتی‌های کوچک و بزرگ پهلو می‌گرفته‌اند و دولت عیلام از طریق این بندر، کالا و مواد مورد نیاز را صادر و وارد می‌کرد (کامرون، ۱۳۶۵: ۲۸). در حقیقت مردمانی که در فلات ایران می‌زیستند از گذشته‌های دور، به اهمیت منطقه خلیج فارس پی برده بودند و، در نتیجه، در طول تاریخ خود

همواره کوشیده‌اند تا در کرانه‌های این منطقه حضور نیرومندان و چشمگیری از خود نشان دهند. این میراث بزرگی است که ساکنان ایران زمین در طول هزاره‌ها برای نسل‌های بعد از خود و آیندگان بر جای گذاشته‌اند.

همانطور که می‌دانیم میان دولت عیلام و دیگر حکومت‌های بین‌النهرین همواره رقابت و درگیری وجود داشته، اما علاوه بر آن گاهی اوقات روابط اقتصادی و فرهنگی نیز میان دو منطقه برقرار بوده است. بین‌النهرین به منابع و محصولات عیلام مانند الوار، سنگ‌های فلزی، سنگ‌های قیمتی و اسب نیاز داشت. از این‌رو، این دو ناحیه در دوره‌های مختلف ارتباط و داد و ستد داشته‌اند (معین، ۱۳۷۴: ۳۶۶۱). در این میان بندر لیان نیز موقعیت مناسبی جهت ارتباط و داد و ستد با بین‌النهرین داشته است. از جمله مواردی که از این بندر به سوی بابل صادر می‌شد، سنگ قیمتی «دیوریت»^۱ و کانه‌های فلزات گرانبها از ساحل خلیج فارس بوده است (کامرون، ۱۳۶۵: ۲۸). بنابراین روابط تجاری و رفت و آمد بازرگانی بین ساکنان بین‌النهرین و کشور عیلام از روزگار دیرین برقرار بود. مهم‌ترین صادرات بازرگانان لیان مروارید و سنگ‌های قیمتی بوده که صادر می‌کرده‌اند. بنابراین، تجار لیانی با بین‌النهرین نیز مراوده اقتصادی داشته‌اند. مهم‌ترین شریک تجاری، در عین حال رقیب شهر لیان، بین‌النهرین بوده و تجار لیانی دائم به تمدن‌های اکد، بابل، سومر، و کاسی سرزده و تجارت می‌کرده‌اند. در همین مراودات بوده که مدنیت پیشرفته بین‌النهرین از جمله خط، موسیقی، پوشش و لباس و... اخذ شد (یاحسینی، ۱۳۹۱: ۱۹۲).

علاوه بر آن، لیان بر سر راه دریایی شوش به موهنجودارو^۲ در هندوستان قرار داشته و از مراکز آباد آن زمان به شمار می‌رفته است و در ردیف مثلث بنادر آباد خلیج فارس در هزاره سوم در کنار دیلمون^۳ مکن^۴ به شمار می‌رفته و به احتمال قدیمی‌ترین بارانداز سواحل کنونی ایران نیز محسوب می‌شده است (رائین، ۲۵۳۶: ۷۶). برپایه اسناد و مدارک باستان‌شناختی که در خوزستان و لیان به دست آمده است، تجار و بازرگانان لیانی با حوزه جنوبی خلیج فارس و به خصوص مناطقی چون دیلمون (بحرین) و مگن (عمان) نیز ارتباط تجاری و اقتصادی داشته‌اند. پاتس در این باره نوشته است:

«اگر قطعه‌ای از کتیبه‌ای که پزار به سال ۱۹۱۳ در بوشهر در خلیج فارس کشف کردودر آن از سیموت - ورتش نام برده شده است در واقع قابل انتساب به سوگلی یا همین نام، پسر شیروک - توه باشد[...]. این نشان می‌دهد که سلطه سوگل مخ‌ها در امتداد ساحل خلیج فارس بسیار تحکیم شده بود و پیوند دیلمون از راه فارس به آسانی تا خلیج فارس و کرانه رود کرخه پیش رفته بود» (پاتس، ۱۳۸۵: ۲۸۳). لیانی‌ها با مگن (عمان) نیز از طریق دریا در ارتباط بودند. پاتس در این باره نوشته است:

«... شمار زیادی از دسته جدیدی از کاسه‌های از جنس سنگ نرم مزین به نقش دو نوار دایره نقطه چین مکشوف از شوش [...] را بی شک می‌توان به شبه جزیره عمان نسبت داد...» (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۸۹). این کاسه‌های سنگی بی شک به وسیله تجار لیانی باکشتی و از طریق دریای

۲. واژه «مؤهن» به زبان سندی به معنی «مردگان» و کلمه «دارو» به معنی «تپه» بوده، ترجمه مهانجودارو «تپه مردگان» است. (ویلسون، ۱۳۸۴: ۴۸)

خلیج فارس از مگان وارد لیان شده و سپس از راه خشکی و زمین، به شوش ارسال می‌شده است. اشیاء باستانی کشف شده در مگان، لیان و شوش این راه ارتباط دریایی - زمینی را به خوبی اثبات کرده است (باحسینی، ۱۳۹۱: ۱۹۲).

علاوه بر حوضه‌های داخلی عیلام، بین‌النهرین و کرانه‌های جنوبی خلیج فارس (دیلمون و مگان)، مردم لیان از دیرباز با حوزه تمدنی سندوشبه قاره هند نیز روابط تجاری و فرهنگی داشته‌اند. کامرون بر روابط مردمان کرانه‌های شمالی خلیج فارس با حوزه تمدنی سند از هزاران سال پیش از میلاد تأکید کرده است (کامرون، ۱۳۶۵: ۱۷-۱۶). برخی از کشفیات باستان‌شناسان در شوش نیز این ارتباط تجاری - فرهنگی را تأکید می‌کنند. پاتس در این باره چنین نوشته است:

«... در واقع مجموعه متنوعی از مواد مکشوف از شوش وجود دارد که بیشترشان لایه‌نگاری نشده‌اند، اما به طور کلی به دوران اكد قدیم یا اور نسبت داده می‌شوند. این اشیاء کلاً ارتباط با درهٔ سند، شبه جزیره عمان و منطقه خلیج فارس را می‌نمایانند...» (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۸۹). البته در این باره ابهامات بسیاری وجود دارد که باید در پرتو حفاری‌های باستان‌شناختی، سویه‌های تاریک آن روشن شود. بنابراین ظاهراً لیان به سبب موقعیت خاص جغرافیایی یکی از حلقه‌های ارتباطی تمدن‌های شرق و غرب دنیای قدیم بوده است چرا که مرزهای جنوبی فلات ایران به سبب همجواری با دریا و سایر شرایط جغرافیایی به ساکنان فلات هند اجازه می‌داد که از آب‌های ساحلی، برای ارتباط تجاری با تمدن‌های ایران و دشت بین‌النهرین استفاده کنند؛ در حقیقت این منطقه محل مناسبی جهت احداث پایگاه دریایی و بندرگاه بود و بدین جهت مورد استفاده

پادشاهان و شهریاران عیلام قرار گرفته است (ویلسون، ۱۳۴۸: ۴۸). از سوی دیگر، با کشف مهر استوانه‌ای در معبد «کی.ری.ری.شا» در لیان که هم‌جواری استان شیریهوم با مرکز و منشاء قدرت سلسله اپرتی (انشان) و کشیدن مرکز آن به سمت جنوب قطعاً برخلاف دوره سیماشکی برای لیان امتیاز محسوب می‌شده، چرا که در این صورت شیریهوم واسطه آنها با دریا و لیان بندر مهم بازرگانی عیلام به حساب می‌آمد (آمی، ۱۳۸۴: ۲۹). شاید عیلام از این بندر علاوه بر بازرگانی، به عنوان یک پایگاه نظامی دریایی نیز استفاده می‌کرده است. بنابراین با توجه به قرار گرفتن لیان در مسیر راه دریایی، به خوبی می‌توان دریافت که شهریاران عیلام به چه دلیل احداث پایگاه و ساختمان دژ و ابنیهٔ مناسبی را در نقاط مختلف آنجا لازم تشخیص داده‌اند (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۹۶).

جایگاه مذهبی لیان در دوره عیلام

اگر از دنیای دینی عیلامیان و از مراسم مذهبی ملازم آن اطلاع دقیقی می‌داشتیم، به درک شخصیت آنها نزدیک می‌شدیم چرا که حتی منابع بسیار مختصری که وجود دارد، گواهی است بر نقش بسیار مهمی که دین در زندگی عیلامی‌ها ایفا می‌کرده است. مردم عیلام یکی از مذهبی‌ترین مردمان روزگار خود بودند و چنان‌گرایشی به خدایان و آیین‌های دینی داشتند که سرزمین خود را «حلتمتی» می‌نامیدند؛ یعنی «سرزمین خدای بخشنده» (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۴). ما در اینجا قصد نداریم دین عیلام را بررسی کنیم. بر همین اساس تنها بخشی از امور مذهبی که مربوط به لیان می‌باشد را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در شهر لیان نیز «خدایان باوری» و کنش مذهبی، جزئی از زندگی روزمره مردم بوده است.

جایگاه اصلی مراسم آیینی او در لیان بوشهر بود و عیلامی‌ها برای او در شهر لیان معبد و بارگاه و پرستشگاهی احداث کرده بودند (متین دوست، ۱۳۸۴: ۴۸۰). این خدای محلی زن و مؤنث بوده است. در ضمن کی.ری.ری.شا در اصل یک نام خاص نیست، بلکه عنوانی است به معنای «الهه بزرگ» (کیری «الهه» و ریشا «بزرگ») است. کی.ری.ری.شا به تدریج از لیان به شمال شرق نفوذ کرد، زیرا شاهان و شاهزادگان عیلام میانه و متأخر معابدی را در «انشان» وقف او کرده‌اند. در خود پایتخت، شوش، کی.ری.ری.شا عنوان افتخارآمیز «مادر خدایان» و «الهه معبد بزرگ» را داشت. با این همه، کی.ری.ری.شا هرگز با پینیکی که الهه بومی شوش بود اشتباه نمی‌شد (هینتس، ۱۳۸۷: ۷۸-۵۲). بنابراین، هر قسمت عیلام یک مادر خدایان برای خود داشته که کی.ری.ری.شا مادر خدایان قسمت کناره جنوبی خلیج فارس بوده است که در طول هزاره دوم در سرتاسر عیلام نفوذ او احساس می‌شده است. علاوه بر این با توجه به تغییر و تحولات که در خدایان عیلامی به وجود می‌آمده است همواره کی.ری.ری.شا جایگاه خود را در میان الهه‌های برتر عیلامی حفظ کرده است به گونه‌ای که هزاره دوم کی.ری.ری.شا در کنار «اینشو شیناک» و «هومبان» یک تثلیث کاملاً تثبیت شده را به عنوان سران طبقه خدایان عیلام تشکیل می‌دهند. در سنگ نوشته‌ها ترتیب اولویت معمولاً هومبان، کی.ری.ری.شا و آنگاه اینشو شیناک است (هینتس، ۱۳۷۱: ۵۲).

البته تا امروز هیچ نامی از کاهنان لیان در طول تاریخ بسیار بلند و چند هزارساله سلسله‌های پادشاهی عیلام به دست نیامده است. تاریخ دین در لیان چندان روشن نیست و ما چیز زیادی درباره باورهای دینی و اعتقادی مردم این بندر در هزاره‌های پیش از میلاد حضرت مسیح (ع) و دوران عیلام نمی‌دانیم. مردم بین‌النهرین، عیلام و لیان در هزاره سوم پیش از میلاد دینی ابتدایی داشتند. آنان حتی در تجسم خدایان خود را در قالب زن و مرد تصویر کرده و می‌ساختند (یاحسینی، ۱۳۹۱: ۹۸). مردم عیلام و لیان به نوعی همه چیز خدایی اعتقاد داشتند. حدود صد خدا در تاریخ بلند فرهنگ و تمدن عیلام شناسایی شده است (صراف، ۱۳۸۴: ۱۳۲). آنان برای خورشید، ماه، زمین، آب، باران، ماهی، دریا و رودخانه و... خدا قائل بودند (هینتس، ۱۳۸۷: ۵۸). عیلامیان از جمله برای تکثیر و پرورش ماهی خدا داشتند و به آن «نینورتا»^۱ می‌گفتند. الهه «نین کاراک»^۲ نیز الهه بنادر یا اسکله بود (صراف، ۱۳۸۴: ۴۲). در عیلام، هر شهر و منطقه‌ای ایزدبانو یا الهه خاص خود را داشته است. از این رو می‌توان به نوعی فتودالیسم الهی و مذهبی برای آن دوره قائل بود.

در دنیای عیلام مکان برتر به یک «الهه» تعلق داشت که این امر از مشخصه دین عیلام است. وجود این الهه‌های عیلامی که در جایگاهی برتر و جدا از دیگر خدایان عیلامی قرار داشتند، نشان‌دهنده نوعی مادر سالاری نزد پیروان این دین است (هینتس، ۱۳۷۱: ۴۹).

به هر روی، یک الهه مادر در منتهی الیه جنوب شرقی ساحل خلیج فارس نیز وجود داشت. این الهه «کی.ری.ری.شا» نامیده می‌شد و

1. Ninurta
2. Ninkarak

در متنی که تثلیث خدایان، هومبان، اینشو شیناک و کی.ری.ری.شا در آن ذکر شده، از کی.ری.ری.شا به وضوح در مقام «همسر بزرگ» نام برده شده است. از این متن می‌توان دریافت که کی.ری.ری.شا در مقام خود به عنوان مادر خدایان نه تنها همسر هومبان بلکه همسر اینشو شیناک هم بوده؛ کاملاً محتمل است که این سه خدا به مثابه یک خانواده هم نیا تلقی می‌شده‌اند و رابطه میان خدایانی که مثلث برتر را می‌ساختند باید بر مبنای الگوی روابطی بنا شده باشد که میان خانواده‌های فرمان‌روا روی زمین وجود داشته است (هینتس، ۱۳۷۱: ۵۳-۵۲). با توجه به نقش این الهه در تاریخ عیلام و جایگاه مذهبی آن در لیان در ادامه به ذکر پاره‌ای از پادشاهان عیلام که به لیان و الهه کی.ری.ری.شا توجه نموده‌اند، می‌پردازیم.

ظاهراً تا امروز، قدیمی‌ترین سندی که درباره شهر لیان و معبد کی.ری.ری.شا یافت شده متعلق به عصر پادشاهی هومبان نومنا است (هینتس، ۱۳۸۷: ۱۲۹-۱۲۸). در زمان هومبان نومنا (از پادشاهان سلسله ایگ هلگی) که از ۱۲۶۶ تا ۱۲۸۵ ق.م بر عیلام سروری کرد و لقب «گسترنده امپراتوری» به عنوان «پادشاه انزان وشوش» برای خود برگزید (پوریانزاد، ۱۳۷۴: ۷۴)، به شیریهوم و لیان توجه زیادی شده است. تنها متن عیلامی مربوط به وی، در لیان یافت شده است. او برای الهه «کی.ری.ری.شا» معبدی در لیان بنا کرد که پادشاهان بعد از او هم به این ایزد احترام می‌گذاشتند، و همواره پرستشگاه متعلق به او را بازسازی می‌کردند (کامرون، ۱۳۷۲: ۷۷) و در

کتیبه مربوط به آن نه تنها از خدای «هومبان» و الهه «کی.ری.ری.شا» بلکه از «پها هوتپ»^۱ (خدایان بخشنده لیان) نیز نام می‌برد. او در کتیبه خود اشاره می‌کند: «من هومبان نومنا، پسر آتا کیتاه وسعت بخشنده پادشاهی ام هستم، سلطان عیلام، فرمان‌روای عیلام، حکمران عیلام، شاه انشان و شوش. خدا «هومبان»^۲ من را به خاطر مادرم دوست داشت و تقاضای من را برآورد» (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۳۳). بعد از آن می‌خوانیم: «زندگی سالمی به من عطا شده بود. خدا اینشو شیناک سلطنت را برای من حفظ کرد.» آنگاه نویسندۀ کتیبه به وقف آن در لیان می‌پردازد و دو زن را به نام یاد می‌کند. اولین زن «میشیمروه» که به احتمال مادر بزرگوار او بوده و دومی نیز همسر او بوده است. سپس ادامه می‌دهد: «به خاطر زندگی خودم و به خاطر زندگی «میشیمروه» و زندگی «ریشاپ لا» من در خرابه-های معبد قبلی {در لیان}، معبد بزرگی را بنیان گذاشته‌ام و آن را وقف خدا هومبان، الهه کی.ری.ری.شا و خدایان بخشنده کرده‌ام. باشد که هومبان، کی.ری.ری.شا و خدایان بخشنده به من زندگی ابدی بخشند، من برای تاج و تخت دعا کرده‌ام، باشد که آنان من را سلامت به آن برسانند (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۳۳؛ تصویر، ص ۱۹). جانشینان بلندآوازه‌تر او، شوتروک - ناخونته، کوتیر ناخونته و شیلهاک اینشوشیناک در زنده نگهداشتن نام هومبان - نومنا که پرستشگاهی برای کی.ری.ری.شا ایزد جزیره لیان و هومبان برآورده بود، با یکدیگر رقابت می‌کردند (هینتس،

1. Paha Hutep

2. Humban

کی.ری.ری.شا از مقام الهه محلی به الهه ملی تبدیل شده بود.

شوتروک — ناخوتنه نیز در جزیره لیان، پرستشگاهی را که روزگاری هومبان — نومنا برای کی.ری.ری.شا برآورده بود، بازسازی کرد و باری دیگر به این ایزد بانو اختصاص داد (کامرون، ۱۳۶۵: ۸۲). از طرف دیگر، کشف کتیبه شوتروک ناخوتنه در معبد لیان که تنها توضیح پیروزی‌های نظامی او در بین‌النهرین است (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۴۳). ما را به یقین می‌رساند که در این زمان هم لیان و هم الهه کی.ری.ری.شا برای عیلامی‌ها از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. کوتیر ناخوتنه معبد الهه کی.ری.ری.شا در لیان را بازسازی کرد و آن را برای سلامتی، خود و همسرش نهونته اوتو^۱ و نیز فرزندش وقف کرد. (کامرون، ۱۳۶۵: ۸۴).

شیلهاک این شوشیناک که بر لیان و خلیج-فارس فرمان‌روایی داشت، در آنجا پرستشگاهی را که هومبان نومنا برای الهه کی.ری.ری.شا ساخته بود و، همچنین، پرستشگاه مشترک خدای هومبان و کی.ری.ری.شا را بازسازی کرد (کامرون، ۱۳۶۵: ۹۲).

به این ترتیب تقریباً کمتر پادشاه قدرتمندی از عیلام سراغ داریم که توجه خاصی به معبد کی.ری.ری.شا و لیان ننموده باشد که این نشان از جایگاه لیان در ابعاد مختلف اعم از مذهبی، اقتصادی و... در قدرت امپراتوری عیلام بوده است. اما اینکه چرا ایزدبانوی یک بندر کوچک پایش به شوش و حتی انشان باز می‌شود و حتی به یکی از اصلی‌ترین خدایان در «ایزدکده» شوش

(۱۳۷۱: ۷۷) و برای سلامتی و کامرانی خود و خانواده‌شان لوح‌ها و آجر نبشته‌هایی تقدیم معبد این ایزدبانوی لیانی می‌کردند. این همه نشان از جایگاه والا و منحصر به فرد کی.ری.ری.شا بوده است (یاحسینی، ۱۳۹۱: ۱۰۸). البته چنان که گذشت، برای نخستین بار، در زمان هومبان نومنا بود که نام و آوازه کی.ری.ری.شا در اسناد رسمی پادشاهان عیلامی در لیان و شوش راه یافت. این را از محتوای کتیبه‌ای از وی که اخیراً در شوش کشف شده می‌دانیم (پاتس، ۱۳۸۵: ۳۲۶).

اونتاش گل یا اونتاش هومبان با توجه به اهمیت لیان و به ویژه ایزد بانوی آن، جایگاهی برای الهه کی.ری.ری.شا در کنار معبد این شوشیناک اختصاص داد و بنای خود را با نفرین-هایی که بر تعداد زیادی آجر، نوشته شده بود و بیشتر به عیلامی و گاهی آکدی بود، حفظ کرده بود: «آن کس که تجاوز کند دیوارهای حریم مقدس، آنکه در آنها رخنه‌ای ایجاد کند، آجرهای کتیبه‌دار را بدزدد، تیرهای در را بسوزاند و دروازه‌ها را به روی دشمنان باز کند، باشد که گرز مجازات هومبان، این شوشیناک و کی.ری.ری.شا بر او فرود آید، باشد که او در زیر خورشید عقبه‌ای نداشته باشد» (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۳۹). بدین ترتیب، پس از هومبان نومنا نخستین پادشاه عیلامی که در شوش برای کی.ری.ری.شا معبد مستقلی ساخت اونتاش گل بوده است (پاتس، ۱۳۸۵: ۳۳۱).

این امر نشان‌دهنده این است که پرستش ایزد بانوی لیان نه فقط مخصوص مردم این شهر، بلکه قلمرو آن از جنوب به سمت شمال کشیده شده و

و عیلام تبدیل می‌شود گفتنی است که چون میان لیان و شوش، از دیرباز روابط تجاری و اقتصادی گرم و پررونقی برقرار بوده است. لیان برای امپراتوری عیلام در کرانه‌های شمالی خلیج فارس حکم یک بندر ترانزیتی داشته است. بسیاری از کالاهای مورد نیاز امپراتوری از طریق بندر لیان وارد می‌شده است. همچنین کالاهای تولید شوش نیز از لیان صادر می‌شده‌اند. بنابراین طبیعی است فرهنگ و باورهای دینی مردم لیان نیز به شوش نفوذ کرده و در آنجا برای خود موقعیت ویژه‌ای باز کرده باشد. تکامل و رشد کی.ری.ری.شا از خدایی محلی و بومی، به یکی از سه خدای اصلی امپراتوری عیلام را در همین ماهیت روابط تجاری باید جستجو کرد. در طول تاریخ، تاجران و بازرگانان، پیام‌آوران فرهنگ و تمدن نیز بوده‌اند.

فرهنگ و هنر لیان

فرهنگ و تمدن عیلام در طول تاریخ دو هزار و پانصد سال خود، یکی از با اهمیت‌ترین و برجسته‌ترین دوران تاریخی ایران به شمار می‌رود. عیلام قدیم در جنوب غرب ایران امروز قرار داشته است و بوشهر کنونی (لیان) در دورترین نقطه جنوب آن و تقریباً در چهارصد کیلومتری شوش واقع می‌شده است. با توجه به اهمیت لیان در تاریخ ایران و عیلام، در ادامه مطالب بخشی از فرهنگ و هنر لیان را در قالب خط و کتابت، مدارس، کتابخانه و موسیقی بررسی می‌نماییم که نشان دهنده قدرت و عظمت شهر لیان در گذشته‌های بسیار دور است. **خط و کتابت:** در ۱۹۱۳م، گروه باستان‌شناسی به

سرپرستی موریس پزار به بندر بوشهر آمد. در ۱۹۱۴م حاصل پژوهش‌ها و حفاری‌های خود را، در شهر لیان، در کتابی به زبان فرانسه منتشر کرد. از جمله لوحه‌های آجری که پزار کشف کرد نوعی الفبای اکدی - سومری به زبان عیلامی بود. ظاهراً اولین نمونه این الفبا در شهر لیان کشف شده و این نشان می‌دهد که کاتبان لیانی سهم بزرگی در ابداع خط و الفبای عیلامی داشته‌اند (تصویر ۵: ۲۰). حکاکان لیانی خط تصویری را از اکدی‌ها و سومری‌ها اخذ کرده‌اند ولی به تقلید صرف اکتفا نکردند. آنها خط تصویری سومری را تکامل بخشیدند، آن را هجایی کردند و تا مرز خط میخی پیش بردند. بنابراین، لیان را باید پیشتاز ابداع خط میخی در عصر عیلام به شمار آورد. نقشی که در تاریخ تحول و تکامل خط در ایران زمین منحصر به فرد و یگانه است (یا حسینی، ۱۳۸۶: ۲۹). والتر هینتس درباره تاریخ کتابت کتیبه‌های عیلامی به خط میخی که از اکدی بابلی اقتباس شده، چنین می‌گوید: «تاریخ کتابت کتیبه‌های عیلامی به خط میخی به میانه قرن‌های شانزدهم تا هشتم قبل از میلاد می‌رسد که قدیمی‌ترین نوع آن در قسمتی از سنگ نوشته کشف شده در «لیان» شهر باستانی عیلام نزدیک ریشهر واقع در کناره خلیج فارس، نشان داده شده است (هینتس، ۱۳۷۱: ۴۳-۴۲).

شایان به ذکر است که عیلامی‌ها و لیانی‌ها اولین قوم ساکن جنوب ایران بودند که خط و کتابت داشتند و توانستند خود را از ما قبل تاریخ، به تاریخ بکشانند. دیگر اقوام ساکن ایران تا آن هنگام با نوشتار و خط هیچ آشنایی نداشتند

(یا حسینی، ۱۳۸۶: ۳۱).

آریایی‌ها ظاهراً در برخورد با تمدن بین-النهرین و خصوصاً عیلام با خط و کتابت و فرهنگ نوشتاری آشنا شدند و خط را از آنها اخذ و اقتباس کردند. جالب آنکه تا عصر هخامنشیان، خط درباری، خط آرامی یا عیلامی بود و تنها در عصر داریوش بزرگ بود که وی به کاتبان عیلامی دستور داد برای کتیبه بیستون، خط و کتابت مستقلاً ابداع کنند که چند کاتب عیلامی (لیانی؟) پس از چند ماه تلاش و کوشش، خط «میخی» را برای داریوش ابداع کردند. خطی که برای اولین بار در کتیبه بیستون از آن استفاده شد (هیئتس، ۱۳۸۰: ۴۹-۱۹).

بنابراین، کاتبان عیلامی و لیانی از فرهنگ نوشتاری پیشرفته‌ای برخوردار بودند و نه تنها آریایی‌ها را با خط و کتابت آشنا کردند، بلکه در زمان داریوش برای آریایی‌ها و پارس‌ها خط نوشتاری جدید (میخی) ابداع و اختراع نمودند، و اینگونه نقش انکارناپذیری در ابداع خط میخی ایران باستان، در عصر هخامنشیان، داشته‌اند، که این همه بیانگر رونق فرهنگ نوشتاری و خط و کتابت در فاصله عصر عیلام تا هخامنشی در جنوب غربی ایران و بوشهر امروز (لیان) می-باشد... (بویس، ۱۳۷۴: ۲۲-۱۸)

مراکز آموزشی: تعلیم، خط و کتابت اکدی - سومری و، سپس، عیلامی نیاز به آموزش داشته است. بی‌شک در بندر تاریخی و باستانی لیان، در حدود پنج هزار سال قبل، مدرسه و مرکزی برای آموزش و تعلیم و تربیت و خصوصاً آموختن خط و کتابت، وجود داشته است. درباره این

مدرسه، هنوز هیچ سند باستان‌شناسی در قلمرو شهر لیان کشف نشده، اما خوشبختانه ما از مدارس مشابهی در شوش - مرکز عیلام - اطلاع داریم. در آنجا نه تنها مدرسه‌ای دایر بوده بلکه شخص پادشاه بر امر آموزش نظارت می‌کرده که نشان از اهمیت و جایگاه تعلیم و تربیت در تمدن عیلام می‌باشد (یا حسینی، ۱۳۸۶: ۳۳).

عیلامی‌ها کاتبان خود را «ته پیر»^۱ می‌نامیدند. همین واژه به شکل «دبیر»، در عصر هخامنشیان وارد زبان فارسی قدیم شد: در امپراتوری عیلام کسانی که سمت «ته پیر» را عهده‌دار بودند، قاضی نیز بودند.

صدراعظم به طور مستقیم و زیر نظر شاه بر امور کاتبان و دبیران نظارت سخت‌گیرانه‌ای اعمال می‌کرد. سیستم مدارس عیلامی چنان بود که کودکان برگزیده را از همان دوران کودکی به مدرسه می‌فرستادند. مدرسه معلم‌ها و مدیری داشت. دانش‌آموزان، علاوه بر امور مذهبی و روحانی، خط و کتابت خاص عیلامی را نیز فرا می‌گرفتند (هیئتس، ۱۳۷۱: ۱۰۱).

این روند، به احتمال قوی، در بندر لیان، که یکی از شهرهای ساحلی امپراتوری عیلام و از جمله مراکز رواج خط و کتابت عیلامی بود، نیز صادق بوده است. در لیان کودکان برگزیده، و احتمالاً متعلق به صاحبان قدرت و روحانیون، به مدرسه می‌رفتند و در آنجا آموزش خواندن و کتابت خط مخصوص عیلامی می‌دیده‌اند (هیئتس، ۱۳۷۱: ۱۰۲-۱۰۱).

به دلیل فقر منابع باستان‌شناختی در لیان،

بیش از این نمی‌توانیم درباره این مدرسه تاریخی و باستانی سخن بگوییم.

کتابخانه: چنان که عیلام شناسان بزرگی چون والتر هینتس ذکر کرده‌اند، پادشاهان عیلامی در درباره‌های خود بایگانی و آرشیوهایی داشته‌اند. که می‌توان با اندکی تسامح آنها را اولین آرشیوها و «کتابخانه‌های سلطنتی» در دنیای باستان به شمار آورد. همچنین، شهر باستانی لیان نیز آرشیو و کتابخانه بزرگی داشته است. لیانی‌ها مطالب خود را معمولاً روی آجرهای مخصوص یا سفال می‌نوشته‌اند و سپس آجرها و سفال‌ها را حرارت داده و می‌پخته‌اند. در کتابخانه باستانی شهر لیان هزاران آجر نوشته و لوح مربوط به عصر پادشاهان عیلامی، در قرون و اعصار مختلف، نگاه‌داری می‌شده است (تصویر ۶: ۲۰). بخش بسیار اندکی از این آرشیو در سال‌های ۱۸۷۶م و ۱۹۱۳م، به همت «اف.سی. آندریاس» و «موریس پزار» کشف و به اروپا منتقل شد، اما قسمت اعظم آن دست نخورده، در تپه‌های باستانی اطراف ریشهر، باقی ماند (تصویر ۷: ۲۱). این کتابخانه، به احتمال قوی، در جوار معبد «کی.ری.ری.شا» ایزد بانوی معتبر و بزرگ شهر لیان قرار داشته است (یاحسینی، ۱۳۸۴: ۳). در اینجا باید گفت که یکی از مراکز عیلامی در شبه جزیره بوشهر ناحیه‌ای است به نام «تل پی تل». در این منطقه تپه‌ای باستانی وجود دارد که در عصر عیلامی احتمالاً محل پرستشگاه «کی.ری.ری.شا» ایزدبانوی اختصاصی بندر لیان بوده است. در سال ۱۳۴۲ ش / ۱۹۶۲ م یک فاجعه باستان‌شناختی در این مکان اتفاق افتاد.

مأموران دولتی ایران، هنگام خاک‌برداری از این تپه باستانی و فوق‌العاده با ارزش، هزاران آجر نوشته عیلامی کشف کردند. این آجر نوشته‌ها احتمالاً متعلق به کتابخانه معبد «کی.ری.ری.شا» بوده است. مأموران دولتی همه آن آجرها را برای زیرساخت فرودگاه تازه تأسیس بوشهر به کار بردند و عملاً هزاران سند منحصر به فرد عیلامی مربوط به فرهنگ و تمدن شهر لیان را نابود کردند. تنها چند عدد از این آجرنوشته‌ها توسط اداره باستان‌شناسی فارس به امریکا ارسال شد که در آنجا پس از مطالعه، روشن شد این آجر نوشته‌ها متعلق به کتابخانه بزرگی متعلق به عصر پادشاهی «شوتروک ناهونته» بوده است. بی شک اگر این کتابخانه بزرگ و منحصر به فرد نابود نمی‌شد، امروزه باستان‌شناسان و مورخان عیلام شناس، رازهای سر به مهر بسیاری از شهر لیان و فرهنگ و تمدن عیلام در اختیار داشتند (یاحسینی، ۱۳۹۱: ۴۷-۴۶).

به هر حال کتابخانه‌ها و آرشیوهای تاریخی شهرهای شوش و لیان در هزاره چهارم قبل از میلاد را باید از جمله اولین و قدیمی‌ترین کتابخانه‌های دنیای عصر باستان به شمار آورد.

موسیقی: «سرزمین عیلام را اگر نتوان خاستگاه یا پایگاه موسیقی ایران دانست، بدون تردید می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین کانون‌های این هنر زیبا و والا در ایران زمین به شمار آورد» (بینش، ۱۳۷۴: ۱۷). موسیقی در نزد عیلامیان آنچنان مهم و مورد توجه بوده است که «آشوربانیپال (۶۴۵ ق.م) پس از حمله به سرزمین‌های عیلام، بی نصیب کردن مردم آن

مکتوب شاهان عیلامی را همچون «سیموت وارتاش» و «هومبان نومنا» را در خود داشته است با موسیقی برپا می‌شده است (شریفیان، یاحسینی، ۱۳۸۹: ۳۸).

در متن کتیبه‌های مختلف یافت شده از لیان همواره از نیایش و بازسازی معابد و اهدای آن به درگاه الهه «کی.ری.ری.شا» گفته شده است (پزار، ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۱۴). این اهدا و نیایش که آن را با افتخار بر کتیبه‌ها به ثبت رسانده‌اند، طی تشریفات و مراسم خاصی صورت می‌گرفته است که در این تشریفات شاهانه، موسیقی از جایگاهی خاص، برخوردار بوده است. از دیگر سو، آنچنان که در ایران باستان مرسوم بوده است، این احتمال وجود دارد که در لیان، مردم برای خدای روشنایی در وقت غروب آفتاب موسیقی می‌نواخته‌اند تا مورد قبول خداوند روشنایی قرار گرفته و به زندگی آنان نور و گرمی و شادی بخشد. هر چند تاکنون از منطقه باستانی لیان، در زمینه موسیقی چیزی کشف نشده است اما می‌توان تصور نمود که در لیان نیز همچون مناطقی مانند شوش، چغامیش (نزدیک دزفول)، ایذه، خرم آباد و بهبهان، موسیقی رایج بوده است (شریفیان، یاحسینی، ۱۳۸۹: ۴۲-۳۹).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که در متون عیلامی، موسیقی رابطه غیر قابل تفکیکی با مذهب داشته و اساساً موسیقی تمدن عیلامی‌ها همانا موسیقی مذهبی بوده است و با تکیه بر داده‌های تاریخی و باستان‌شناختی والتر هینتس می‌توان بیان نمود که در لیان همچون عیلام موسیقی جنبه مذهبی داشته و موسیقی در

مناطق از نغمات موسیقی را جزء فتوحات خود دانسته و آن را با غرور در کتیبه‌ها به ثبت رسانده است. موسیقی نزد عیلامیان اغلب با مفاهیم مذهبی بیان شده است و از آنجا که دین نقش مهمی در زندگی مردم ایفا نموده پس می‌توان به غنی بودن موسیقی لیان با توجه به نقش مذهبی آن و توجه پادشاهان مختلف به معابد لیان در دوران عیلامیان اشاره نمود. چنانکه استاد سید قاسم یاحسینی، محقق بوشهرشناس، براساس مهر مکشوفه‌ای که تصویر آن در کتاب والتر هینتس آمده، معتقد است: نوازنده‌ای که در جلوی موکب یکی از خدایان ساز می‌نوازد در حال نواختن نی است و بر همین اساس آورده است: «معبد کی.ری.ری.شا در شهر لیان، معبد بزرگی با باغی مشجر و پر درخت بوده است. در این معبد، بسان دیگر معابد عیلامی، یک گروه نوازنده موسیقی همواره حضور داشته و در مراسم مذهبی نی و شاید نی انبان، می‌نواخته‌اند» (یاحسینی، ۱۳۸۴: ۳).

با توجه به آثار مکشوفه به راحتی می‌توان تصور نمود که برپایی اعیاد ملی در قالب مراسم مذهبی در سراسر سرزمین عیلام به طور مشترک مورد تأکید بوده که لیان به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق عیلامی نه تنها از آن مستثنی نبوده بلکه به دلیل توجه پادشاهان عیلامی به این منطقه بسیار مورد اهمیت بوده است. بنابراین، با توجه به شکوه مذهبی لیان و معابد مهم آن، در عصر عیلامی، تردیدی نیست که جشن‌ها و مناسک مذهبی در معابد بزرگ شهر لیان - همچون معبد «کی.ری.ری.شا» - که تنها اسناد تاریخی و

بحث و نتیجه‌گیری

ژرف‌نگری در تاریخ عیلام نشان می‌دهد که لیان در آن زمان موقعیت و اهمیت ویژه‌ای داشته است و مجاورت با دریای پارس باعث شده بود تا لیان بندر صادراتی کالای بازرگانی به حوزه خلیج فارس حتی تمدن سند محسوب شود و حتی از اهمیت و موقعیت استراتژیکی و سوق الجیشی در تجارت با بین‌النهرین برخوردار بوده است؛ از طرف دیگر لیان به سبب موقعیت خاص جغرافیایی یکی از حلقه‌های ارتباطی تمدن‌های شرق و غرب دنیای قدیم بوده است چرا که مرزهای جنوبی فلات ایران به سبب هم‌جواری با دریا و سایر شرایط جغرافیایی، به ساکنان فلات هند اجازه می‌داد که از آب‌های ساحلی، برای ارتباط تجاری با تمدن‌های ایران و دشت بین‌النهرین استفاده کنند. بنابراین، یکی از دلایل اهمیت لیان در امپراتوری عیلام به واسطه تجارت با دریای پارس و خط ارتباطی بین حوزه خلیج-فارس و اقیانوس هند بوده است.

علاوه بر این، لیان از نظر مذهبی برای عیلامی‌ها دارای اهمیت بوده و جایگاه ایزد بانوی ملی عیلام یعنی «کی.ری.ری.شا» خدای ویژه عیلام بود. به جز «کی.ری.ری.شا»، خدای هومبان یا گل پهاوتپ هم در لیان دارای پرستشگاه بودند و تقریباً کمتر پادشاه قدرتمندی از عیلام سراغ داریم که توجه خاصی به این پرستشگاه‌ها ننموده باشد و معابدی که توسط شاهان عیلامی در این محل ساخته شده این قضیه را برای ما ثابت می‌کند.

با توجه به داده‌های باستان‌شناختی پراکنده

معابدخدايان نواخته می‌شده است؛ موسیقی جنبه تقدس و مذهبی داشته و در مراسم آیینی از آن استفاده می‌شده است (یاحسینی، ۱۳۸۴: ۷).

پایان شهر لیان

شهر لیان تا زمان پادشاهی شیلهاک - اینشوشیناک جزء قلمرو عیلامیان محسوب می‌شد. اما با روی کار آمدن (هوتی لودوش - اینشوشیناک) در پس از ۱۱۵۰ ق.م شهر لیان به دست بابلی‌ها افتاد و جزء قلمرو پادشاهی آنان شد (کامرون، ۱۳۶۵: ۹-۹۸). کشمکش بر سر حکمرانی این شهر چندی ادامه داشت و چند بار با عیلام دست به دست شد تا سرانجام «نبوکد نصر یکم» (بخت النصر) در حمله‌ای گسترده و وسیع عیلام و شهر تاریخی لیان را با خاک یکسان کرد و همه مردمان آن را از دم تیغ گذراند، معبد و پرستشگاه «کی.ری.ری.شا» را غارت و نابود کرد و هرچه را بود به تلی از خاک مبدل کرد:

«وی سرزمین عیلام را تسخیر کرد و دارایی آن را غارت کرد. وی دشت و کوه را از ویرانی انباشت و به بیابان مبدل ساخت» (کامرون، ۱۳۶۵: ۱۰۱).

پس از هجوم خونین و وحشتناک نبوکد نصر، بندر باستانی و تاریخی لیان تقریباً برای همیشه در تاریکی تاریخ گم شد و ما در دوره‌های عیلام نو و حتی مادها هیچ کتیبه، آجرنوشته یا حتی نام و نشانی از این شهر ویران شده نمی‌بینیم و نمی‌یابیم. با هجوم نبوکد نصر اول، درخشش شهر لیان برای همیشه به تیرگی گرایید و در یک کلام بندر لیان در تاریخ عیلام گم شد.

موجود و حفاری‌های محدود و معدودی که در استان بوشهر انجام گرفته، می‌توان گفت که لیان نیز در زمینه فرهنگ و هنر در دوره عیلامی‌ها سرآمد بوده است؛ چنانکه اولین نشانه‌های خط و الفبای اکدی - سومری مربوط به عیلام در شهر باستانی لیان یا همان شبه جزیره بوشهر امروز یافت شده و ایران از طریق، لیان بوشهر به تاریخ راه یافته و یکی از قدیمی‌ترین آرشیه‌های ایران و جهان در شهر لیان وجود داشته است. از نظر موسیقی، با توجه به بعد مذهبی لیان در دوره عیلامی‌ها و اهمیت معبد «کی.ری.ری.شا»، لیان در این زمینه غنی بوده است. پس از ضعیف شدن عیلام از لحاظ سیاسی، این سرزمین مورد هجوم شاهان آشور قرار گرفت و آخرین پادشاه عیلام به اسارت آشور درآمد. پس از

آن عیلام کم و بیش در دوره مادها و پارس‌ها، به شکلی ضعیف، به حیات خود ادامه داد ولی هرگز به افتخارات کهن خویش باز نگشت و به دنبال آن شیریهوم و لیان هم تمامی خاطرات خود را در دل خویش خاموش نگه داشته و دیگر در تاریخ ایران به این نام ظاهر نگشتند. هزاران سال بعد و در فاصله سال‌های ۱۸۷۶ تا ۱۹۱۳ میلادی، به همت دو باستان‌شناس آلمانی و فرانسوی، شهر خفته و از یاد رفته لیان پیدا شد و پیکر متلاشی شده‌اش از زیر خروارها خاک شرعی گرفته شبه جزیره بوشهر بیرون کشیده شد. در طول این هزاره‌ها، لیان چنان تغییر چهره داده بود که شناخت کاملش غیرممکن بود از آن شهر پررونق و باشکوه، فقط چند تکه آجرنوشته و مقداری ظروف سفالی و سنگی باقی مانده بود.

تصویر ۱. نقشه بوشهر امروز



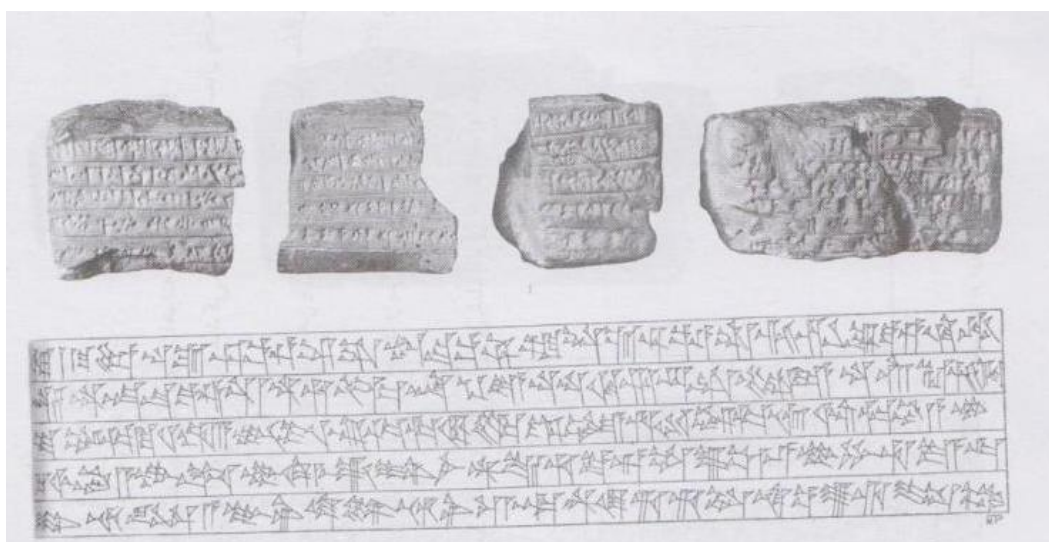
منبع: عبدالحسین کنین، جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر

تصویر ۲. نقشه موقعیت لیان (بوشهر)



منبع. دنیل تی پاتس، باستان‌شناسی عیلام

تصویر ۳. سنگ نوشته سفالی از شیلهاک این شوشیناک

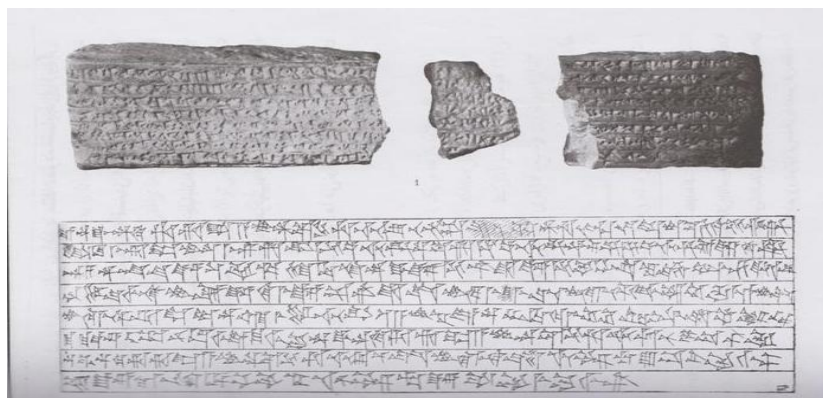


منبع. موریس پزار، مأموریت در بندر بوشهر

متن کتیبه

۴. با سفال اری تو محکم و آن را ساختم،
 ۱. من شیلهاک این شوشیناک، پسر
 برای زندگیم، ناهونته اوتو. شوتروک ناهونته، خدمتگزار محبوبم.
 ۵. و هوته لو دوش این شوشینک و لاگمار
 ۲. کی.ری.ری.شا و این شوشیناک، پادشاه
 همرو شیلیهنا و کوتیر هومبان. آنزان و شوش.هومبان من، معبد.
 ۶. و ایش نی گاریات والها لا هو اوروتوک
 و اوتوهی هی پی نی کیر. ۳. کی.ری.ری.شا (بانوی) لیان، با سفال
 ۷. مثل همه بخشندگانمان آن را به الهه
 پخته شده (؟) ساخته شد و با ویران شدنش،
 (بانوی) خودم «کی.ری.ری.شا» اهدا نمودم.
 من بار دیگر آن را بر پاداشتم.

تصویر ۴. سنگ نوشته سفالی از هومبان نومن



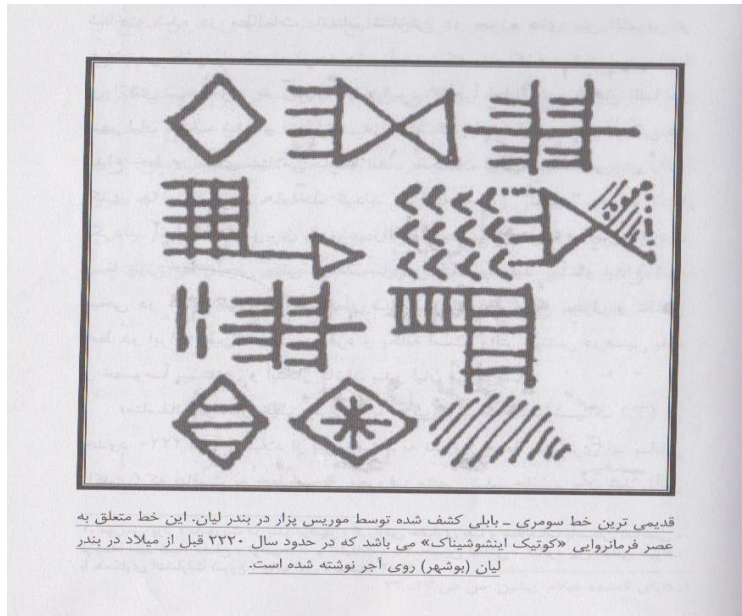
منبع. موریس پزار، مأموریت در بندر بوشهر

متن کتیبه

- بخشش قرار داده و طول عمر مرا استوار
 نگه داشته است.
 ۴. این «شوشیناک» به من سلطنت عطا نموده
 است. برای زندگی «میشیروه» و...
 ۵. زندگی ریشاپ لا در معبدی که قسمتی از آن
 ویران شده به پایان رسیده است.
 ۶. بنایی استوار {را} من ساختم، برای خدایان
 «گل»، «کی.ری.ری.شا» و «باهوتیپ» و به
 آن اهداء نمودم.
 ۱. آنها، خدایان «گل» GAL، «کی.ری.ری.شا»
 و «باهوتیپ» لیان من (؟) هومبان نومن
 پسر آتارکیتا.
 ۲. از امپراتوری وسیع، دژقوی هاتامتی، شهر
 قوی هاتامتی، پادشاهی.
 ۳. از آنزان و شوش، این تصمیم خدایان «گل»
 است، «گل» مرا دوست داشته، و مورد

۷. خدایان گل، کی.ری.ری.شا و باهاوتیپ، آیا مالکیت روح {زندگانی} را می‌توانند به من عطا کنند؟
۸. پادشاهی آرزوی من است، آیا آنها می‌توانند آن را برای من ابدی کنند؟

تصویر ۵. قدیمی‌ترین خط اکدی - سومری کشف شده عیلامی در لیان



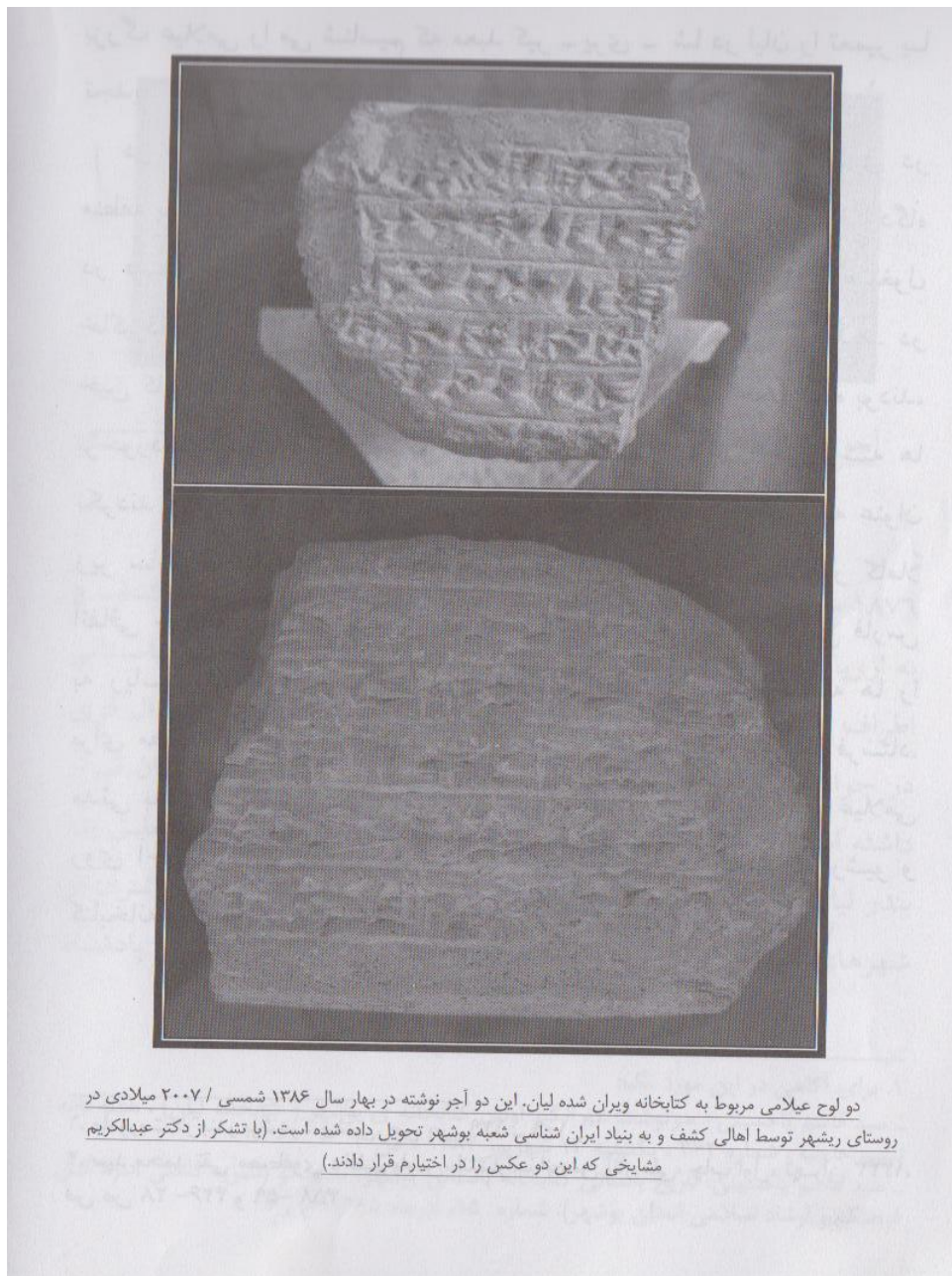
منبع. مورس پزار، مأموریت در بندر بوشهر

تصویر ۶. آجرنوشته کشف شده مربوط به کتابخانه لیان



منبع. مورس پزار، مأموریت در بندر بوشهر

تصویر ۷. دولوح عیلامی کشف شده مربوط به کتابخانه لیان



منبع. موریس پزار، مأموریت در بندر بوشهر

منابع

- آمیة، پیر (۱۳۸۴). *تاریخ عیلام*. ترجمه شیرین بیانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهارم.
- اداره فرهنگ و هنر استان بوشهر (۱۳۵۶). *بوشهر را بهتر بشناسیم*. چاپ اول.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۹). *نگاهی به بوشهر*. تهران: مؤسسه انتشاراتی و آموزشی نسل دانش. جلد اول. چاپ اول.
- اکبری، حسن (۱۳۸۱). *عیلام و عیلامی‌ها*. مجله باستان پژوهی. ش ۹.
- اکبری، امیر (۱۳۸۴). «نگرش ایرانیان باستان به خلیج فارس». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ. به اهتمام دکتر اصغر منتظر القائم. ویراستار محمد رضا زاده‌هوش. جلد دوم. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان. چاپ اول.
- ایمان‌پور، محمد تقی؛ علی‌اکبر شهابادی (۱۳۸۹). «بررسی تحلیلی محدوده‌های جغرافیایی و اداری ساتراپ‌های هخامنشی در کتیبه بیستون». *مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ*. سال دوم. ش پنجم. پاییز.
- بلادی، سید عبدالعزیز (۱۳۹۰). *ریشه شناسی واژگان منتخب گویش بوشهری*. تهران: انتشارات آینه کتاب. چاپ اول.
- بویس، مری (۱۳۷۴). *تاریخ کیش زرتشت*. ترجمه همایون صنعتی زاده. تهران: انتشارات توس. جلد ۱. چاپ اول.
- بینش، تقی (۱۳۷۴). *تاریخ مختصر موسیقی ایران*. بی جا: نشر آروین. چاپ اول.
- پاتس، دنیل تی (۱۳۸۵). *باستان شناسی عیلام*. ترجمه زهرا باسی. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- پزار، موریس (۱۳۸۴). *مأموریت در بندر بوشهر* (گزارش حفاری‌ها و مطالعات باستان شناسی). ترجمه سید ضیاء مصلح. توضیحات و تعلیقات غلامحسین نظامی. بوشهر: انتشارات شروع. چاپ اول.
- پوریانژاد، فرهاد (۱۳۸۴). «خلیج فارس در مسیر تاریخ ایران باستان». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ. به اهتمام دکتر اصغر منتظر القائم. ویراستار محمد رضا زاده‌هوش. جلد دوم. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان. چاپ اول.
- پیرنیا، حسن (۱۳۶۹). *ایران باستان*. تهران: انتشارات دنیای کتاب. جلد ۱. چاپ چهارم.
- جلیلیان، شهرام؛ امیر علی نیا (۱۳۹۱). «کاسی‌ها در خلیج فارس». *پژوهشنامه خلیج فارس*. به کوشش دکتر عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا. ج ۵. تهران: انتشارات خانه کتاب. چاپ اول.
- حمیدی، سیدجعفر (۱۳۸۰). *فرهنگ نامه بوشهر*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۴). *استان زیبای بوشهر*. بوشهر: انتشارات شروع. چاپ اول.
- رائین، اسماعیل (۲۵۳۶). *دریانوردی ایرانیان*. تهران: نشر مؤلف. جلد ۱. چاپ اول.
- شریفیان، محسن؛ سیدقاسم یاحسینی (۱۳۸۹). *موسیقی بوشهر در عصر باستان* (دفتر اول). تهران: انتشارات آینه کتاب. چاپ اول.
- صراف، محمدرحیم (۱۳۸۴). *مذهب قوم ایلام* (۲۶۰۰-۵۰۰۰ سال پیش). تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- فلور، ویلم (۱۳۸۷). *ظهور و سقوط بوشهر*. ترجمه حسن زنگنه. تهران: انتشارات طلوع دانش. چاپ اول.
- کامرون، جورج (۱۳۶۵). *ایران در سپیده دم تاریخ*. ترجمه حسن انوشه. بی جا: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول.
- گریشمن، رومن (۱۳۶۶). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ ششم.
- متین دوست، احمد (۱۳۸۴). «دریای پارس با نگاهی به زبان‌های فارسی باستان عیلامی و اکدی بابلی». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس*

- در گستره تاریخ. به اهتمام دکتر اصغر منتظر القائم. ویراستار محمدرضا زاده‌وش. جلد دوم. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان. چاپ اول.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰). تاریخ و تمدن عیلام. تهران: انتشارات مرکز دانشگاهی. چاپ اول.
- معین، محمد (۱۳۷۴). فرهنگ معین. تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ نهم.
- هیبتس، والتر (۱۳۷۱). دنیای گمشده عیلام. ترجمه فیروز فیروزنیا. ویراسته منصوره کویانی. بی‌جا: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۰). داریوش و پارس‌ها (تاریخ فرهنگ ایران در دوره هخامنشیان). ترجمه عبدالرحمن صدریه. تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۷). شهریاری ایلام. ترجمه پرویز رجیبی. تهران: نشر ماهی. چاپ اول.
- نظامی، غلامحسین (۱۳۸۱). «شیریهوم کی. ری. ری. شا». فصلنامه آبی‌ها. شماره پنجم و ششم.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۷۴). تاریخ خلیج فارس و کشورهای همجوار. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- ویلسون، سرآرنولد (۱۳۴۸). خلیج فارس. ترجمه محمد سعیدی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. چاپ اول.
- _____ (۱۳۶۶). خلیج فارس. ترجمه محمد سعیدی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. چاپ دوم.
- یاحسینی، سیدقاسم (۱۳ شهریورماه ۱۳۸۴). «سرنوشت غم انگیز اولین کتابخانه بوشهر و کتابخانه لیان». هفته نامه نسیم جنوب. شماره ۳۶۲.
- _____ (۲۷ شهریورماه ۱۳۸۴). «موسیقی بوشهر در چهار هزارسال قبل». هفته نامه نصیر بوشهر. شماره ۳۱۳.
- _____ (۱۳۸۷). نام‌های بندر بوشهر در تاریخ. تهران: انتشارات طلوع دانش. چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۹). پرتغالی‌ها در بندر ریشهر. بوشهر: انتشارات شروع. چاپ اول.
- یاحسینی، سیدقاسم؛ عصمت السادات یاحسینی (۱۳۸۶). پنج هزار سال تاریخ‌نگاری و کتابخانه-های بندر بوشهر. بوشهر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی بوشهر. چاپ اول.
- _____ (۱۳۹۱). تاریخ شهر لیان (تاریخ شبه جزیره بوشهر در دوران ایلامی‌ها). قم: انتشارات صحیفه خرد. چاپ اول.